

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

به تازگی ما شاهد انتشار نقطه نظرات «فعالان کارگری» بوده ایم که اکثر آنها در چند نکته اتفاق نظر داشته اند.

مهمترین مسائل و مشکلات مطرح شده عبارتست از:

- 1- پراکندگی در جنبش کارگری و به تبع آن بین تشکلات مستقل کارگری
- 2- ضعف ارتباط گیری و نفوذ فعالان کارگری در بدنه ی کارگران
- 3- جو حاکم بر جامعه به عنوان عنصر تعیین کننده در میزان آشکارسازی اعتراضات کارگری
- 4- ضعف شدید رسانه ای در زمینه خبررسانی، تفسیر و تحلیل اعتراضات کارگران و بازتاب آن در بین هم طبقه ای های آنان
- 5- نبود و یا ضعف اطلاعات آماری از وضعیت کمی و کیفی و توازن قوا بین طبقه ی سرمایه دار و طبقه ی کارگر و سایر مزدبگیران ایران

این موارد کلی را باید در ویژگی جنبش کارگری و سابقه مبارزاتی آن دید. به عبارت دیگر بحث پراکندگی در جنبش کارگران ایران به طور ریشه ای بررسی نشده است که دلایل خاص خود را دارا است.

مسائلی مانند بحث پراکندگی در جنبش را در باید در شناختن روحیات مبارزاتی کارگران ایران، همجنس نبودن بعضی از فعالان کارگری، نبود شناخت عمیق از تهاجم سرمایه جهانی که با در دستور روز قرار دادن خصوصی سازی توسط نهادهای جهانی آن و آثار مخرب از این مرحله ی بحران جهانی سرمایه، همگی اینان دست به دست هم داده تا «فعالان کارگری» را به نسخه پیچی های مختلف و الگوبردارانه کشاند. توصیه های کلی، فاخرانه و کلیشه ای مزین به ادبیاتی نا آشنا به زبان محاوره ای کارگران آنها را دچار مبهم گویی و تنزل تا حد مبتدیان مکتب نظری کارگری کرده است.

اما، در کل دو نگرش و رویکرد نسبت به جنبش کارگری ایران وجود دارد. ما در اینجا به تفاوت آنها می‌پردازیم: یکم - نگاهی گرایش مبتنی بر بنیادگرایی ایدئولوژیکی چپ سنتی که سعی دارد میوه خامی را پخته نشان دهد و نوزاد سالخورده‌ای را به دویدن وا دارد.

دوم - نگاهی جنبشی براساس دیدن عملکرد واقعاً انقلابی، زنده و پویای طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار می‌باشد.

در حالی که مبارزات و مقاومت خودجوش کارگران با استفاده از ابتدائی‌ترین اشکال سازماندهی و برگزاری مجمع عمومی و انتخاب نماینده و تشکیل شورا در جهت تثبیت و حفظ حداقل معیشت، دریافت ماهها دستمزد معوقه به درگیری با عوامل سرمایه‌داری مشغولند، گرایش‌ها به دنبال ایجاد تشکیلات «پیشرو» و «پیشاهنگ» خود می‌باشند. در مقابل، جنبشی‌ها با حوصله‌مندی در میان کارگران مرحله به مرحله به پیش برد مبارزه کارگران کمک می‌کنند.

گرایش‌ها در طول تاریخ مبارزات کارگری ایران به علت عدم شناخت دقیق و صحیح از جنبش کارگری آنها آسیب‌پذیر ساختند که ما به طور خلاصه به آن می‌پردازیم.

قبل از انقلاب مشروطیت حدود صد هزار کارگر مهاجر در حوزه نفتی باکو مشغول به کار بودند.

گروهی از این مهاجران با حزب سوسیال دمکرات فعالیت می‌کردند. (ایران بین دو انقلاب، ص 99)

حزب سوسیال دمکرات در آذربایجان باشگاه «همت» را توسط مهاجران و برای آنها راه انداخت

(همانجا، ص 99) و همین‌طور حزب اجتماعیون - عامیون در اوایل 1904/1283 توسط گروهی از

مهاجران که قبلاً در حزب سوسیال دمکرات روسیه فعال بودند در باکو تأسیس شد، که این حزب وارد

مجلس شورای ملی اول گردید و اسیر دعوای مجلس‌گرایانه گردید. (همانجا، ص 99)

اصلاح‌طلبان باقیمانده از این حزب که با کمیته انقلابی در بیرون از مجلس به رهبری حیدر خان عمو

اوغلو و محمد امین رسول‌زاده در ارتباط بودند فرقه دمکرات را در مجلس دوم به رهبری سلیمان

اسکندری راه انداختند. (همانجا، صص 129-130)

در مجلس سوم، سلیمان اسکندری همچنان رهبر دمکراتها بود (همانجا، ص 139). همزمان با جنبش

انقلابی جنگل و قیام شیخ محمد خیابانی رهبر دمکرات در آذربایجان (همانجا، ص 141) و قیام محمدتقی

خان پسیان رهبر فرقه دمکرات خراسان، شعبه سوسیال دمکرات بلشویک در باکو فرقه عدالت را تشکیل و اتحادیه‌هایی در بین کارگران مهاجر ایرانی در حوزه‌های نفتی باکو تشکیل داد. (همانجا، ص 142)

فرقه عدالت به ائتلاف با جنبش جنگل پرداخته و در ژوئن 1920 نخستین کنگره خود را در انزلی برگزار کرد و خود را فرقه کمونیست نامید و با جنگلیها جمهوری سوسیالیستی ایران را تشکیل دادند (ایران بین دو انقلاب، ص 99 - پنجاه سال نفت ایران، ص 389) پس از تغییر سیاستهای اولیه «دولت جوان شوروی» و رها شدن جنبش جنگل، کشته شدن حیدرخان در توطئه‌ای بدست جنگلیان، شکست جنبش جنگل، فرقه کمونیست کانونهای خود را به تهران آورد و با سوسیالیستها ائتلاف و همکاری کرد (ایران بین دو انقلاب، صص 159-160) و به تشکیل اتحادیه‌های کارگری پرداخت. (همانجا، ص 161)

در سال 1921/1300 شورای متحده با 9 اتحادیه شروع به کار کرد. سه سال بعد تعداد اعضای آن به 8000 نفر رسید (همانجا، ص 161). تعداد اتحادیه‌های شورا از 21 اتحادیه در مناطق مختلف ایران به 32 اتحادیه در سال 1304 که تنها 6 اتحادیه نماینده کارگران صنایع مدرن بود. (همانجا، ص 162)

به لحاظ نگاه مبارزه مجلس‌گرایانه و اصلاح‌طلبانه، سلیمان اسکندری در کابینه دولت رضاخان از جانب حزب سوسیالیست وزیر آموزش و پرورش گردید (همانجا، ص 163) و بعد در مجلس همراه دو تن از سوسیالیستهای دیگر به سلطنت پهلوی رای منفی داد. (همانجا، ص 168)

فعالیت شورای متحده کارگران و همه اتحادیه‌های کارگری توسط رضاخان ممنوع و از سال 1306 الی 1312 صد و پنجاه و شش تن از رهبران سازمانده کارگری دستگیر شدند. (همانجا، ص 173) مهمترین وقایع جنبش کارگری در سالهای اختناق و دیکتاتوری «سرمایه‌داری جوان دولتی و ملاک رضاخانی» عبارتند از:

اعتصاب کارگران شرکت نفت در سال 1308، اعتصاب کارخانه نساجی اصفهان در سال 1310، و کارگران راه‌آهن در اواخر 1310 که با سرکوب شدید و دستگیری رهبران اعتصاب و زندانی، شکنجه و کشته شدن تنی چند از آنها تا سال 1320 منجر شد. (همانجا، صص 199-200)

دست‌آورد اعتصابات کارگران افزایش دستمزد، کاهش یک ساعت از ساعت کار (از 10 ساعت به 9 ساعت) در روز بود. (تاریخچه اتحادیه‌های کارگری راه‌آهن، ظفر، 18 مرداد 1325)

در تابستان 1321، شورای متحده مرکزی کارگران از ادغام 4 فدراسیون کارگری با 40 اتحادیه و حدود صد هزار عضو آغاز به کار کرد. (ایران بین دو انقلاب، ص 360)

تابستان 1322 نخستین کنفرانس شورای متحده کارگران در تهران برپا شد (همانجا، ص 429) در این کنفرانس اعلام شد که شورا «سازمانی مستقل و جدا از هر گروه سیاسی است.» (خلاصه بیانیه کنفرانس، رهبر، 20 مرداد 1322) در حالی که همه چهارده رهبر شورای متحده کارگران از اعضای حزب توده بودند (ایران بین دو انقلاب، ص 429).

حضور حزب توده و مهار جنبش کارگری ایران مخصوصاً ممنوعیت اعتصاب در مناطق نفت‌خیز و کارخانجات تسلیحات به بهانه حفظ منافع متفقین با توجه به رشد تورم و گرانی و کمبود ارزاق در دوران سالهای جنگ مانع از رشد جنبش مستقل کارگری گردید، مانند محکوم کردن «اعتصاب 1322 در تأسیسات نفت ایران و انگلیس در کرمانشاه، معادن زغال سنگ شمشک، کارخانه سیمان تهران و کارخانه دولتی مهمات‌سازی نزدیک تهران» که به عنوان کارشکنی فاشیستی از جانب حزب توده محکوم گردید. (همانجا، ص 430)

شورای متحده در سال 1322 بیش از 40 اعتصاب بزرگ را رهبری کرد و اعضایش به 200,000 نفر رسید (همانجا، ص 433) و در سال 1324 چهل اعتصاب بزرگ را سازماندهی کرد که 33 اتحادیه وابسته و در کل بیش از 275000 نفر عضو داشت. شورای متحده اواسط سال 1325 مدعی شد 186 اتحادیه و در کل 335000 عضو دارد. (ص 434 پانویس 2، رضا روستا، سخنانی برای کارگران راه‌آهن، ظفر، 24 مرداد 1325)

رقیب اصلی شورای متحده، «اتحادیه کارگران» بود که در سال 1321 توسط یوسف افتخاری رهبری می‌شد، که در اعتصابات کارگران نفتی در سال 1308 دستگیر و تا سال 1320 در زندان بود. طرفدارانش به حزب توده و خودش به سید ضیاء (ص 432) و بعدها به حزب دمکرات قوام پیوست.

علیرغم اعتصاب بزرگ سال 1325 در مناطق نفتی جنوب در زمان حکومت قوام که منجر به عقب‌نشینی موقت دولت قوام گردید، قوام به تهاجم به جنبشهای دهقانی در آذربایجان، کردستان پرداخت که خود

محصول قرارداد نفتی قوام - سادچکف بود. این موضوع به حیثیت حزب توده و نفوذ آن در بین کارگران لطمه شدیدی زده و آغازگر سرکوب کارگران شرکت نفت و اخراجشان توسط شرکت نفت ایران و انگلیس شد.

پس از کاهش اعتصابات به تعداد انگشت دست در هر سال از 1326 به بعد، این بار از اسفند سال 1329 کارگران شرکت نفت دست به اعتصاب گسترده‌ای زدند که سه هفته طول کشید و منجر به استقرار حکومت نظامی در منطقه و تقویت ناوگان انگلیسی در خلیج فارس گردید.

شمار اعتصابات صنعتی در ماههای آخر 1330، سی و دو عدد و در سال 1331 به استثنای اعتصاب سراسری در جریان قیام 30 تیر به پنجاه و پنج و در نیمه نخست 1332 با احتساب سالگرد ملی 30 تیر به هفتاد و یک عدد رسید. (ایران بین دو انقلاب، ص 256)

با توجه به تأثیرپذیری سیاست حزب توده از تصمیم‌گیریهای سیاسی «اتحاد جماهیر شوروی» و انتقال آن به درون جنبش کارگری ایران و اختلافات درونی حزب و انشعابات آن، جنبش مستقل کارگری به زائده این حزب تبدیل گردید و نتیجه آن شد که سرنوشت تاریخی اجتماعی جنبش ضد امپریالیستی با کودتای 1332 رقم خورد و پرونده این مبارزات با نتیجه‌ای تلخ به تاریخ پیوست، در حالی که شورا با تشکیل اتحادیه‌ها برای صدور 75 درصد از نیروی کار صنعتی تقریباً در همه 346 کارخانه جدید کشور شعبه داشت و از سوی فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری به عنوان تنها سازمان کارگری حقیقی در ایران شناخته شد. (همانجا، ص 434)

در دوران اعتلای انقلابی و جنبش ضد دیکتاتوری سالهای 55-57، جنبش مستقل کارگری علیرغم آسیب‌هایی که از گروههای فرقه‌گرای راست و چپ دید توانست دست به زانوی خود گذارده و شرکت فعال داشته باشد. اما به دلیل نداشتن شکل سراسری نتوانست در تصرف قدرت به حساب آید. پس از قیام 22 بهمن 57 در سالهای 58 به تشکیل «اتحادیه شوراهای سراسری کارگران ایران» اقدام نمود که این شکل سراسری به علت دعوای سلیقه‌ای بین فرقه‌های مختلف سیاسی نتوانست مهر خود را بر مبارزات مستقل کارگری بکوبد.

در دوران سالهای جنگ نفتی ایران و عراق، کارگرانی که دست به مقاومت می‌زده و حاضر نبودند گوشت دم توپ سرمایه‌داری قرار گیرند، از کارخانجات اخراج شدند و مابقی طبقه کارگر ایران، مجبور به تحمل بار سنگین هزینه جنگ شدند.

پس از جنگ ما شاهد شورشهای اجتماعی در استادیوم امجدیه تهران سال 1368 و 1370 در نجف‌آباد و زنجان، تظاهرات جانبازان در شیراز، شورش در مشهد در 9 خرداد 1371 و شورش در اراک در همان سال، شورش در قزوین در مرداد 1373، شورش در منطقه اکبرآباد در شهرک اسلامشهر در حومه تهران در فروردین 1374 بودیم. (محمدباقر حشمت‌زاده، ایران و نفت، ص 442)

اعتصاب و کم‌کاری در برخی از شهرها در آبان و آذر ماه 1369 منجر به افزایش علی‌الحساب ماهی دو هزار تومان به حقوق کارمندان و معلمان در اول سال 1370 گردید. (محمدباقر حشمت‌زاده، ایران و نفت، ص 442)

پس از جنگ، دانشجویان نسبت به وضعیت غذا و خوابگاه دست به اعتصاب و تظاهرات زدند (محمدباقر حشمت‌زاده، ایران و نفت، ص 440) که اوج آن در سال 1378 در دولت اصلاحات خاتمی بود.

در بین طبقه کارگر - همزمان با کاهش درآمد نفت و افت درآمد دولت - به طور محسوس از تولید کارخانجات دولتی کاسته شد و به دلیل کمبود ارز امکان تهیه مواد اولیه و دیگر نیازهای ارزی مانند گذشته موجود نبود. از تعداد شیفتهای کارگری کاسته شد که با تنش و مقاومت کارگران و کارکنان روبرو شد. این مسئله در جریان اجرای برنامه اول و واگذاری کارخانجات به بخش خصوصی در دوران رفسنجانی ادامه یافت که از طریق بازخرید کارگران و سرکوب مقاومت آنها سعی در خارج کردن مبارزات کارگران از ریل اصلی آن شد.

در سال 68 ما شاهد دستگیری و اعدام جمال چراغ ویسی در کردستان به اتهام برپایی تظاهرات اول ماه مه شدیم. با گسترش امواج خصوصی‌سازی [ورشکسته‌سازی کارخانجات دولتی و تقسیم آن در بین خانواده‌های سرمایه‌داری ذینفوذ در حاکمیت] کارگران دست به مقاومت و واکنش خودجوش به اشکال گوناگون زدند، از قبیل: شکایت به اداره کار و دادگاههای حقوقی، تجمع در مقابل اداره کار، تأمین

اجتماعی، استانداری‌ها و فرمانداریها، مجلس، بستن جاده و حتی گروگان‌گیری کارفرمایان و کسب حکم توقیف ماشین‌آلات کارخانه.

شوراهای اسلامی، خانه کارگر و دیگر عوامل ضد کارگر در طول این مدت با عملکرد خود سعی به سازش کشاندن، آرام‌سازی بستر مقاومت کارگران کردند که به مرور و گاهی به سرعت ماهیت واقعی سرمایه‌دارانه آنها در بین کارگران آشکار می‌شد.

با اوج‌گیری جنبش اجتماعی ایران و تحت کنترل قرار گرفتن آن توسط اصلاح‌طلبان دوم خردادی و لیبرالها و نقطه عطف آن به شکل جنبش دانشجویی، مبارزات کارگران در محاق جدلهای سیاسی فرو رفت و اعتراض جنبش کارگری در غبار اصلاح‌طلبی کمرنگ شد.

اما پس از کمرنگ شدن این سایه - حضور اصلاح‌طلبان - و بروز ناکارائی آنها به عنوان سوپاپ اطمینان، کاهش فشارهای اعتراضی اجتماعی و کم ارتفاع شدن امواج جنبش اجتماعی، کارگران با دستهای پینه بسته گریبان سرمایه‌داری را گرفته و آنرا از سنگر اصلاح‌طلبی بیرون کشیدند.

اولین لایه آسیب‌پذیر در این بین کارگران قرارداد موقت بودند که به سرعت از صف کارگران شاغل کنده و به خیل بیکاران پیوستند و به سرنوشت نامعلوم دچار شدند.

ستون اصلی بدنه کارگری در مبارزه علیه سرمایه‌داری و طرح‌های ویرانگر آن را کارگران شاغل، قرارداد دائم استخدامی و پیمانی تشکیل می‌دادند.

پس از طولانی شدن زمان مقاومت با معرفی کردن آنها به بیمه بیکاری در بین صفوفشان فاصله و پراکندگی به وجود آمد که در طول دهه هفتاد شمار زیادی از آنان بازنشسته و یا باخرید شدند.

با گسترش تعطیلی کارخانجات مخصوصاً در بخش ریسندگی و نساجی، کارگران با درخواست بازگشت به کار توانستند در کارخانه تردد و با تجدید دیدار و تصمیم‌گیری‌های جمعی به مقاومت بپردازند. در سال 1383، شاهد دستگیری 7 تن از برگزارکنندگان اول ماه مه سقز بودیم. و سال پیش از آن، شاهد کشتار کارگران خاتون‌آباد کرمان.

ایجاد سندیکای شرکت واحد گامی عملی در به رسمیت بخشیدن هویت کارگری تشکل مستقل در جامعه ایران بود. آنان در مدت کوتاهی توانستند با ایجاد کلاسهای آموزشی به عضوگیری در بدنه شرکت

واحد تهران پرداخته و به چندین اعتصاب و اعتراض حول خواسته‌های حداقل رفاهی روزمره‌ای، افزایش دستمزد و به رسمیت شناختن سندیکای خود دست بزنند.

اعتراضات و اعتصابات شرکت واحد در سالهای 84، 85، 86 به شدت سرکوب و دستگیریهای گسترده‌ای به راه افتاد، در حالی که سندیکا و رهبران آن تحت حمایت کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه‌های کارگران حمل و نقل، سازمان جهانی کار و ... قرار گرفته بود.

سرمایه‌داری در مقابل جبهه ضد سرمایه‌داری و امواج مقاومت کارگران به پررنگ کردن خط قرمز خود پرداخت. او شکستهای سیاسی، اقتصادی و بحران ناشی از هضم بحران سرمایه در داخل و خارج را بدین روش جبران می‌کند و به دنبال کسب صندلی در سازمان تجارت جهانی و سهم‌خواهی از ارزش اضافی بازارهای جهانی می‌باشد. این خط قرمز توسط نمایندگان اصلاح‌طلب سرمایه‌داری تعیین شد تا از طریق مانورهای خود چه در داخل و چه در خارج به جذب سرمایه‌گذاری شرکتها و کارخانه‌های بزرگ چندملیتی در بخشهای مختلف انرژی و صنعتی بپردازد.

سرمایه‌داری با نفرت عمیق تاریخی و هراسان، حاضر نیست کارگران از این خط قرمز عبور کرده و گریبان وی را در چنگال حق‌طلبانه کارگری خویش بفشرد و تبدیل به رهبران انقلاب بشوند.

سرمایه‌داری با مکر و حيله «برانداز نشان دادن» حرکت‌های کارگری و وابسته نشان دادن رهبران آن به گروه‌های سیاسی در دادگاه‌های فرمایشی سعی در جداسازی فعالان کارگری از بدنه آن می‌کند.

در این میان تعدادی از فعالان کارگری به دنبال مشاوره حقوقی در متن مبارزه با فعالان اجتماعی کارگری آشنا شدند و ماحصل این آشناییها شکل‌گیری کمیته‌های کارگری بود.

این تشکلات فرا طبقاتی که از دل مبارزات کارگری در نیامده بودند به زودی دچار فرقه‌گرایی، کاهش ضربان قلب و انحصارطلبی و مال خود کردن جنبش شده و کارایی خود را از دست دادند و فقط به ایستگاه انعکاس نظری مبارزه و خبررسانی در سایتها تبدیل شدند و حداکثر تلاش جمع اکثریت این تشکلات تدارک سالگرد اول ماه مه بود.

در مقابل، جنبش کارگری به مسیر مبارزاتی خود ادامه داد و نطفه‌های اولیه تشکلات واقعاً انقلابی حاصل از مبارزات و مقاومت خود جوش کارگری را در بطن خود پرورش داد، آن‌هم با ساز و کار شورایی.

اگر تشکلات کارگران خباز سقز و شرکت واحد هنوز پابرجاست - علیرغم ضعف و کمبودها و هزینه‌های پرداخت شده آن - تنها به دلیل مشخص برخاسته شدن این تشکلات از بطن مبارزات اعتراضی کارگران بوده است.

فعالان اجتماعی ملبس به جامعه فاخرانه کارگری شده و دیگر دیده نمی‌شدند. این «فعالان» به فخر فروشیه‌ها، کیمیاگری‌های نظری آن‌هم به شیوه سنتی پرداختند. آنها (گرایش‌ها) با ایجاد فراکسیون و برداشتی ذهنی و آرمانخواهانه به رفتارهای «فرقه‌گرایانه» خود ادامه دادند، و در نتیجه دچار خود بزرگ‌بینی گردیده و به دامن توطئه‌چینی از نوع جد بزرگوارشان «بلانکی» در غلطیدند و با رنگ و لعاب سیاسی دانستن محض مبارزات اقتصادی کارگران و با ژستهای رادیکالی، خودنمایی کرده و طرحی به نام «شورای همکاری تشکلات و فعالین کارگری» ارائه دادند. این طرح که فاقد تعریف مشخص تشکیلاتی بود، صرفاً ائتلافی بر پایه توافقی شفاهی باسماه‌ای بدون نقشه و برنامه و خارج از عمل مبارزاتی کارگران بوده و علیرغم هشدارهای سایر اعضای «کمیته هماهنگی» که خواستار بردن این طرح به درون بدنه کارگری و نظرسنجی از کارگران بودند با همپالگی‌های خود دست به کودتا زده و با جنجال‌آفرینی و زدن اتهامات از قبیل اکونومیسم، تسلیم در مقابل جنبش خود به خودی، خط پنجمی، تمام‌خلقی، رفرمیست، اصلاح‌طلب و سایر زهرماریهای دیگر به جنبشی‌ها و سمپاشی علیه آنها طرح کاریکاتوری خود را پیش بردند.

در این بین بودند «ساده‌دلانی» که به دامن گرایش‌ها در غلطیدند. طراحان «طرح گرایش» که طرحی نخبه‌وار، از بالا و بدون ارتباط حتی با اقلیتی هرچند ناچیز با بدنه کارگری بودند، تفتیده از «عشق تشکیلاتی» و رهبری‌طلبی بر صندلیهای شورای همکاری تکیه داده و با دار و دسته خود و به پدر خوانده‌گی و قیاده‌طلبی جنبش کارگری پرداختند، روشی که سالیان دراز به جنبش مستقل کارگری در طول مبارزات کارگران به ویژه در ایران آسیب رسانده است. آنان (گرایش‌ها) سالهاست که خود را

دندان عقل جنبش مستقل کارگری می‌دانند، در حالی که این دندان مدتهاست که از فرط میکروب «فرقه‌گرایی» پوسیده شده است.

به نظر ما، طرح شورای همکاری طرحی کاریکاتوری و الگوبردارانه از شورای متحده کارگری و اتحادیه شوراهای سراسری کارگران و ... بوده و ربطی به جنبش زنده و پویای ملموس مستقل کارگری ندارد. ما جنبشی‌ها به راه خود در میان جنبش کارگری ادامه می‌دهیم و شما به لجبازی کودکانه‌تان ادامه دهید. تاریخ در این مورد قضاوت خواهد کرد.

ما از کلیه ابتکار عملهای کارگران در ایجاد تشکل و سازماندهی در بین و حین مبارزات کارگران مستقل جنبش کارگری به شیوه انقلابی چه به صورت شورا و چه در شکل سندیکا، اتحادیه و کمیته و ... اما با سازوکاری شورایی - انقلابی برخاسته از بطن مبارزات انقلابی علیه سرمایه‌داری حمایت می‌کنیم، دستشان را فشرده و در خدمتشان قرار می‌گیریم.

ما در اینجا پیشنهادات خود را مطرح می‌کنیم:

1- رشد و گسترش تماس‌گیری با کارگران فعال و تشکلات موجود واقعاً کارگری انقلابی، پیوند با کارگران شاغل در صنایع بزرگ و کلیدی و سایر مزدبگیران تولیدی، خدماتی جهت بسترسازی یک تشکل سراسری کارگری واقعاً انقلابی از طریق اتصال این حلقه‌ها و ایجاد یک ستاد جهت هماهنگی و ارتباط اعتراضات جنبش کارگری.

2- استفاده از هرگونه امکان حداقل رسانه‌ای موجود در بضاعت فعالان کارگری و کارگران فعال جهت تکثیر و خبررسانی اعتراضات کارگران و سایر مزدبگیران.

3- به وجود آوردن صندوقهای همیاری و استفاده از ظرفیت آن جهت کمک به کارگران اعتصابی.

4- تلاش جهت تماس‌گیری و استفاده از فعالان کارگری غیرفرقه‌ای برای کرایه یک ایستگاه رادیویی یا شبکه‌ی ماهواره‌ای در خارج از کشور با حداقل پخش به مدت یک ساعت در روز جهت بازتاب روزانه مبارزات کارگران.

5- تشکیل یک دایره حقوقی از وکیلان متعهد به جنبش کارگری جهت دفاع از حقوق کارگران چه در نشستهای سه جانبه‌گرایی اداره کار و چه برای دفاع از کارگران معترض دستگیر شده و زندانی.

6- خودتان پیشنهاد بدهید. ما آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات و ... شما هستیم، منتظرمان نگذارید.

ما قبلاً نقطه نظرات خود را از طریق «جمعی از فعالین کارگری» انتشار داده‌ایم.

«خورشید انقلاب کارگری جهان این بار از خاور آن‌هم از ایران طلوع خواهد کرد. پس‌لرزه‌های این

زلزله‌ی عظیم در کشورهای نفت‌خیز آثار خود را در جهان سرمایه‌نشان خواهد داد.»

با درود به کلیه جان‌باختگان سنگر مبارزه ضد سرمایه‌داری کارگران.

منوچهر

86/8/11

منابع :

1- ایران بین دو انقلاب - یرواند آبراهامیان

2- پنجاه سال نفت - مصطفی فاتح

3- ایران و نفت - محمدباقر حشمت‌زاده